ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به اوتانت

دبیر کل سازمان ملل متفق

به جناب آقای اوتانت
دبیر کل سازمان ملل متفق
آقای دبیر کل

تصور میکنیم بیهوده نیازی بآن نیست که در وصف رژیم ضد دموکراتیک که از زمان کودتای سال ۱۹۵۳ در ایران حکومت میراند سخنی بتفصیل بگوئیم . با این حال میخواستیم توجه شما و نیز توجه کمیسیون حقوق بشر را بواقعیاتی جلب نمائیم که وضع کنونی کشور ما را روشن میکند .

مردم ایران اکنون در شرایطی زندگی میکنند که تمام آزادیهای سیاسی اساسی که مورد تأیید وتصدیق قانون اساسی کشورماست یعنی آزادی بیان و اجتماع و مطبوعات عملا معلق مانده است . تمام احزاب سیاسی و سازمانهای اپوزیسیون بویژه حزب تودهٔ ایران و سازمان جبهه ملی که هوادار مشی دکتر

بقیه در صفحه ۲

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به سازمانهای دموکراتیک

دوستان عزیز !

بضمیمه این نامه نامهٔ کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به دبیر کل سازمان ملل متفق و کمیسیون حقوق بشر درجلب این سازمان نگاشته است، بنظر شما میرسد این نامه درباره تجاوزات دولت ایران علیه آزادی های سیاسی دراین وشرایط غیردمکراتیکی است که در آن قرار است در جهارم اوت ۱۹۶۷ انتخابات مجلسین شورا و سنا و باصطلاح مجلس مؤسسانی انجام گیرد که هدف آن تغییر قانون اساسی است .

ما امیدواریم که شما آنچهرا درامکان دارید برای دفاع از نبرد عادلانه مردم ایران و کمك بوی از طریق نشریات ، اقدامات اعتراضی بعمل آورید تا آنکه دولت ایران انتخابات غیر دموکراتیك چهارم اوت را متوقف سازد. تجربه مبارزات سالهای اخیر تأثیر و تبریختی افکار عمومی جهانی را در مخافل حاکمه ایران نشان داده است . بهمین جهت ما مطمئنیم که پشتیبانی گرانبهای شما میتواند در وضع کشور ما تأثیر مساعد داشته باشد و کمك ذی قیمتی بمبارزه مردم ایران در راه استقرار آزادیهای مصرح در قانون اساسی و حقوق دموکراتیك خلق به انتخاب آزادانه نمایندگان خواهد بود .

دوستان عزیز تمنی داریم سلامهای برادرانه ما را بپذیرید .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مجلسین شورا و سنا

بمناسبت انتخابات سگانه مجلسین و موسسان

آقایان نماینده گان !

شما بهتر ازهر کس ازجریان انتخابات مجلسین طی ۱۵ سال اخیر اطلاع دارید و بخوبی میدانید که ملت ایران کوچکترین سهمی در انتخاب شما و پیشینیان شما ، که در جریان ۱۵ سال اخیر کرسیهای پارلمان ایران را اشغال کرده اند ، نداشته است .

بنا براین اگر این نامه بعنوان شما فرستاده میشود نه از آنجهت است که ما شما را نماینده گان ملت میدانیم بلکه بدان سبب است که شما بهرشرح مسئولیت اشغال کرسی های پارلمان، یکی ازمهمترین ارگان مشروطیت ایران را ، بگردن گرفته اید و لذا برای رسیدگی به تجاوزات دولت نسبت به حقوق مردم و اجراء اصل ۳۲ قانون اساسی مرجع دیگری باقی نمانده است .

شما بخوبی آگاهید که حکومت فردی و اسلوب ترور و ارعاب و وحشت که ملازم هر حکومت استبدادی است جائی برای بروز واقعی افکار عمومی در کشورما باقی نگذارده است . در واقع کلیه تضمینات فردی و حقوق سیاسی واجتماعی که طبق قانون اساسی برای مردم ایران شناخته شده است رسماً وعملاً از جانب دولت ومأموران باصطلاح انتظامی وی (سازمان امنیت و شهربانی و ژاندارمری) نقض میشود و هر گونه واکنشی از جانب مردم برای مقابله با این تجاوزات با شدت و قساوت بیسابقه ای سر کوب میگردد .

برای اینکه این ادعا جنبه تجریدی پیدا نکند بواقعیات غیر قابل انکار میپردازیم . کمان نمیرود این نکته برشما مجهول باشد که ابتدائی ترین و مهمترین شرط حکومت دموکراسی تساوی حقوق صوم افراد کشور دربرابر قانون است . بهمین جهت است که متمم قانون اساسی ایران این حکم را در سر لوحه فصلی قرار داده که در باره حقوق ملت ایران سخن رفته است . اصل هشتم متمم قانون اساسی تصریح میکند : « اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود » . خود شما بهتر از هر کس میدانید که این مهمترین اصل دموکراسی حتی بصورت ظاهر هم در کشور ما رعایت نمیشود . « تنها قوانین از نظر محتوی همواره بسود طبقات و

بقیه درصفحه ۵

نامه سر گشاده حزب توده ایران به دولت

بمناسبت انتخابات سگانه مجلس ، سنا و موسسان

آقای هویدا نخست وزیر !

سواد نامه سر گشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران که در ۱۱ تیرماه ۱۳۴۶ بعنوان مجلس شورا ومجلس سنا نگاشته شده است برای مطالعه شما وهیئت وزیران ارسال میگردد .

نظر باینکه کلیه مسائلی که در این نامه مطرح گردیده مربوط باقدامات دولت است و مسئولیت کنونی دولت را شخص شما و هیئت وزیران فعلی بعهده گرفته اید تا گزیر مسئولیت انجام یا عدم انجام خواست هائیکه درنامه سر گشاده مطرح شده است طبق اصول ۴۴ و ۴۵ متمم قانون اساسی ایران بعهده شما خواهد بود .

امید است با توجه بمسئولیت خطیری که در برابر ملت ایران بگردن گرفته اید اعتراضات اصولی و قانون مطروحه در نامه سر گشاده را دقیقاً مورد مطالعه قرار داده ، از اقدام در جلوگیری از انتخابات غیرقانونی ۱۳ مرداد و بنرطرف ساختن محیط مختنق کنونی واستقرار آزادیهای سیاسی واجتماعی مصرح درقانون اساسی دریغ نخواهید ورزید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

مصاحبه مخبر الاخبار

با رفیق رادمنش

در ۱۸ ژوئن ۱۹۶۷ خبرنگار روزنامه الاخبار چاپ بیروت مصاحبه‌ای بارفیق رادمنش صدر پوروری کمیته مرکزی حزب توده ایران بعمل آورد که درآن روزنامه به تفصیل درج شده است . اینك خلاصه ای ازاین مصاحبه، رفیق رادمنش نخست در پاسخ سئوال خبرنگار در باره بحران اخیر خاور نزدیك گفت :

تهاجم اسرائیل به کشورهای عربی که با تشجیع و پشتیبانی و کمك مادی و معنوی امپریالیستهای امریکا وانگلیس صورت گرفت یکی از توطئه های امپریالیستی است که هر وقت اینجا و آنجا بل وسائل وصور مختلف بظهور می‌پیوندد . این هجوم که بخاطر برانداختن حکومتهای ملی کشورهای عربی صورت گرفته با مقاومت تمام کشورها وملل عرب روبرو شده بیش از حد امپریالیستهای امریکائی وانگلیسی را منفرد ساخته واین تازه آغازکار است ، بعلاوه این جریان نشان داد که اتحاد جماهیر شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی مهمترین پشتیبان و مدافع خلقها در مبارزه عادلانه آنها هستند . حزب ما این تجاوز را محکوم نموده است و خروج نیرو های اشغالگررا ازنواحی اشغالی طلب کرده است . نباید اجازه داد که چنین توطئه هائی تکرار شود . برای جلوگیری از آن وحدت ملل و کشور های عربی و برخورداری از

بقیه در صفحه ۲

در آمدنه سفرشاه بپوانشگهن رفقا علی خاوری، پرویز حکمت جو ، مهندس پیروزی ، مصطفی و آوانسیان را از زندان قصر به زاهدان ، برازجان ، خرم آباد ، کرمان و بندر عباس تبعید کرده اند .

به زندانیان جنوب

شبهای جنوب سوزان و خبهٔ زندان دلگیرست.
ولی ای برادر من ، خورشید در اشکها میدرخشد ،
و میان دلها فاصله نیست .

آری ، میان دلها فاصله نیست ،
و من چه بسیار قلب هائی را می شناسم ،
که در هزاران فرسنگ با هم می طپند :
مانند آفتاب دل دل زندان خلیج ،
مانند افق خونین فام کویر .

برشمی این اللهای لرزانی را
چه چیز چنین سرخ فام کرده است :
آیا غرور شهیدان بیگناه ؟
و یا شعله خشم آگین انقلاب ؟

و این شعله خشم آگین انقلاب
تنها بسراغ کاخها در شمال نخواهد رفت ،
بل بسراغ زندانها در جنوب نیز خواهد آمد
وبدیده «فساد» و «ستم» را یکجا خواهد سوخت .

یکجا خواهد سوخت ، ای برادر من !
زیرا آن دو شاخهٔ یك درختند
و سپس شعله به آسمان خواهد تاخت
و به خورشید خواهد پیوست .
زیرا نور ها نیز همه از یك سرچشمه اند .

آری ، نور ها همه از یك سرچشمه اند
و پیوند دلها و سرود ها
و یاران در غربت و یاران در زندان
همه از همین جلست .

شبهای جنوب سوزان است
و تنهائی زندان دلگیر
ولی ای برادر من ، خورشید در اشکها میدرخشد
و میان دلها فاصله نیست .

۱ . سپهر

مصاحبه مخبر «الاخبار» بارفیق رادمنش

کمك وپشتیبانی کشورهای سوسیالیستی شرط عمده است. درداخل کشورها نیز نباید احزاب کمونیست را که پیگیر ترین مبارز علیه امپریالیستها وارتجاع میباشند ازحساب خارج نمود و بآنها تکیه نکرد.

رفیق رادمنش درپاسخ سئوال مربوط به روش ایران در مورد بحران خاور نزدیك گفت، بدنبال بکسلسله مشاجرات مطبوعاتی و رادیوئی از چند سال پیش روابط ایران و مصر و سوریه قطع گردید و امپریالیستها کوشیدند باین اختلاف دامن زنند و از آن بنفع خود استفاده نمایند، بهمین سبب بحران اخیر خاور نزدیك زمامداران ایران را در وضع بسیار دشواری قرارداد از یکسو مجبور شدند ظاهراً خودرا طرفدار کشورهای عربی نشان دهند و از سوی دیگر تبلیغات خود را علیه سران مترقی جنبشهای رهائی بخش ملل عرب متوجه ساخته و باین شکل از اسرائیل و امپریالیستها دفاع نمودند، مراجعه کشور های عربی وشیوع اسلامی برای قطع جریان نفت به کشورهائی که بااسرائیل کمك میکنند بدون نتیجه ماند، و این وضع ایران را در خاور نزدیك منفرد نمود و حتی از کشورهای همپیمان خود مانند ترکیه و پاکستان جدا کرد. دولت ناگذاشت که مردم بنفع ملتهای عرب تظاهر کنند و حتی در مجلس سنا به سران مترقی کشور های عربی حمله شد، گوئی این اعراب هستند که برسر میلیونها ساکنین کشور های عربی بیمهای آنثرا و نابیالم ریختند و اینها هستند که خاك اسرائیل را تصرف کردند. حزب ما با این روش دولت ایران مخالف است و معتقد است که مردم کشور ما باید در این مبارزه یار و همکار ملتهای عرب که برای قطع آخرین نفوذ امپریالیسم در خاورمیانه مبارزه میکنند باشند و از همه نیرو های ملی ودموکراتیك کشور دعوت کرده است که برای کمك بملل عرب و مبارزه با نقشه های امپریالیستها متحد شوند ونگذارند که کشورهای امپریالیستی از کشور ما مبنائیه پایگاه دیگری علیه جنبشهای رهائیبخش ملی در خاور نزدیك استفاده نمایند.

مخبر روزنامه الاخبار گفت، اخیراً مطبوعات ایران با سر و صدای زیادی خبری در باره کشف یکی از مطابع مخفی حزب توده ایران منتشر کرده‌اند خواهشمندیم اگر ممکن است در این باره اطلاعاتی در اختیار خوانندگان ما بگذارید،

رفیق رادمنش درپاسخ گفت، مدتیست که در کشورما هر گونه آزادی فردی واجتماعی از مردم سلب گردیده است، اصول قانون اساسی ایران زیر پا گذاشته شده است و افراد های دمکراسی از مطبوعات گرفته تا مجالس ایران به عرصه‌لاف و گزاف گویان رژیم تبدیل شده ومرور گروههای تازه از حزب ما وسایر نیرو های ملی و دمکراتیك برنتابها روانه میگردند و به محکومیت های سنگین محکوم میشوند، معطله‌ای که اخیراً باصطلاح مأمورین انتظامی کشف کردیده خود یك سند زنده فقدان آزادی بیان و قلم در کشور است واین نخستین معطیه نیست که کشف میشود و آخرین نیز نخواهد بود. جزبما باین اقدامات ضددمکراتیك اعتراض میکنند و همه نیرو های ملی و دمکراتیك را برای احیاء اصول قانون اساسی وسنن دمکراتیك آن دعوت میکنند حزب ما همانطوریکه ۲۵ ساله آن نشان میدهد درهیچ شرایطی فعالیت خود را تعطیل نخواهد کرد و تا پیروزی نهائی بمبارزه ادامه خواهد داد.

در جلسه همبستگی باخلق قهرمان و ویتنام

برای ابراز همدردی و همبستگی با خلق قهرمان ویتنام، پاتیکاه یکی از سازمانهای حزبی در مهاجرت جلسه‌ای با شرکت عده‌ای از اعضاء حزب توده ایران، نماینده‌گان سازمان دانشجویان جمهوری دموکراتیك ویتنام و چند میهمان خارجی تشکیل گردید. نماینده‌ی پیروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران‌ضمن سخنرانی خود در این جلسه گفت: «سالیان دراز است که آتش جنگ تجاوزکارانه ای که پنتاگران امریکائی در ویتنام برافروخته اند ادامه دارد. امپریالیستهای امریکائی باوجود نیروی هنگفت نظامی و متمرکز ساختن قوای عظیمی که با در نظر گرفتن ۵۰۰ هزار نفر لشکریان تحت فرمان حکومت سایگون و وابستگان امریکائی بالغ بر یك میلیون نفر میشود تاکنون کوچکترین موفقیتی در این جنگ رسوا بدست نیاورده‌اند. پایداری بی نظیر و مقاومت قهرمانانه خلق دلیر ویتنام، کلیه نقشه های را هزاران امپریالیستی را نقش بر آب کرده است. سنای امریکا رسماً اعتراف نموده که ۸۰ درصد ازخاك ویتنام‌جنوبی دردست جنگجوران آزادیبخش است. در کلیه عملیات نظامی، شیوه های جنگ که امریکائیان برای محاصره و انهدام نیرو های نجاتبخش بکار برده‌اند، همواره باعدم موفقیت مواجه گردیده است و هیچگاه نیرو های آزادیبخش ملی در دام گذاشته‌ها و محاصره ها نیفتاده‌اند. نیروهای آزادیبخش ملی بنا بهاراده خویش مجتمع میشوند، ناپدید میگردند، از نو در جای دیگر پدید میشوند و پس از وارد ساختن ضربات سخت بدشمن پراکنده میگردند. این نرمش و انعطاف نیرو های نجات بخش از آنجهت است که تمام خلق در این جنگ شرکت دارد. از سوی دیگر مردم جمهوری دموکراتیك ویتنام با قهرمانی بی نظیری در برابر بمبارانهای جنایتکاران امریکائی ایستادگی میکنند و باموفقیت روز افزون به نیروی هوائی امریکا تلفات و لطمات شدیدی وارد میکنند. همین پایداری عظیم ودفاع قهرمانانه است که بحق احترام عمیق و پشتیبانی کلیه خلق های جهان را بخود جلب نموده است. بدیهی است مردم ایران که خود برای‌هائی ازچنگال امپریالیست های امریکائی و انگلیس مبارزه میکنند نمیتوانند نسبت به سرنوشت خلق دلاور ویتنام علاقمند نباشند».

سخنران پس از اشاره به مواردی مشخص پشتیبانی حزب توده ایران از پیکار عادلانه خلق ویتنام گفت: «مادر پیروزی مردم ویتنام درمبارزه آزادیبخش خود ذره ای تردید نداریم و با بی‌صبری تمام انتظار روزی را میکشیم که پرچم نصرت و پیروزی برفراز تمام خاك ویتنام باهتزاز درآید. باانتظار آن روز فرخنده همه باهم در این آرزوی بزرگ، پیروز باد مبارزه خلق قهرمان ویتنام».

پس از پایان‌این سخنرانی رفیق هوانگ‌وان نماینده سازمان دانشجویان جمهوری دموکراتیك ویتنام از برگزاری این جلسه تشکر نمود وگفت: «ما از آغاز تجاوز امریکا، پیروزی های زیادی بدست آورده ایم و با عزم راسخ نبرد خود را ادامه میدهیم. ما خوب میدانیم که دموکراسی و اتحاد و صلح در ویتنام نه تنها برای مردم ویتنام بلکه برای تمام مردم جنوب شرقی آسیا اهمیت فراوان دارد. امریکائیها میگویند صلح‌را بپذیرید تا بمباران را قطع کنیم. معنی این صلح چیست؟ مگر میتوان زیر بمباران دشمن صلح را پذیرفت؟ ملت ما زانو نخواهد زد، و تا امریکا را از خاك خود بیرون نکند باز نخواهد ایستاد. این روزها در هانوی پایتخت جمهوری دموکراتیك ویتنام مردم بمناسبت سقاط ساختن ۲۰۵۰ هواپیمای امریکائی‌جنگی‌میگیر تاکنون‌هزاران هزاران‌هواپیما وهلیکوپتها سرنگون‌خواهیم‌جنگید».

در خاتمه نطق رفیق هوانگ‌وان از کشور های سوسیالیستی و دیگر نیروهای ترقیخواه جهان بخاطر کمکهای پدرینشان تشکر نمود.

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به اوتانت دبیر کل سازمان ملل متفق

بقیه از صفحه ۱

مصلق است ممنوع هستند. عده کثیری از رجال ومبارزان که بجریانات سیاسی تعلق دارند درزندان وتبعیدند و بیش از ۲۰هزار نفر مجبور بجلای وطن و پناهندگی درخارج شده‌اند تا خود را از تعقیب پلیس برهانند. این اشخاص از حق داشتن گذرنامه ایرانی محرومند و امکان بازگشت به میهن از آنها سلب گشته است. مطبوعات دموکراتیك ممنوع است وحتی نشریات مجاز زیر سانسور پلیس قرار دارد.

پلیس سیاسی که نام سازمان امنیت کشور (ساواك) برخود نهاده است بخود حق میدهد در مورد اجراء تعقیب های سیاسی بی‌پروا کلیه ضمانت هائی را که قانون اساسی کشورما برای آزادی فردی قائل شده است (مانند مصونیت فردی اشخاص و اموال و مسکن) نقض کند.

حق داشتن وکیل مدافع بنا بانتخاب خود از زندانیان سیاسی نه فقط در جریان بازجوئی بلکه حتی در دوران دادرسی که معمولا در دادگاههای درسته نظامی اجرا میشود سلب است.

چنین است چهره رژیم زور پلیسی که مدت ۱۵سال است در کشورما مستقر است. ما دیگر از شکنجه هائی که درشعب سازمان باصطلاح امنیت بر زندانیان اعمال میگردد و از احکام اعدام جابرانه و تبعید خلاف قانون زندانیان سیاسی بنواحی بدآب‌وهوا و کشتار نمایش دهندگان بی‌سلاح در خیابانها وانواع فشار های دیگری که باعضاء خانواده های زندانیان سیاسی وارد میشود سخن نمیگوئیم.

در یك چنین شرایط غیر دموکراتیك است که دولت ایران قصد دارد در چهارم اوت ۱۹۶۷ دست به انتخابات بزند.

موافق فرمان‌شاه مورخ ۱۳ مه ۱۹۶۷ انتخابات‌مجلسین وزیر انتخابات‌مجلس مؤسسان که باید بکمك دیگر قانون اساسی را بنفع شاه تغییر دهد وحق تعیین نائب‌السلطنه را از مجلس سلب نماید در بکروز اجرا میشود. لذا روشن است که در چنین شرایطی این انتخابات که باید بتمام اعمال غیرقانونی مرتکبه بزیان حقوق حقه مردم ایران (حقوقی که میهن پرستان ودموکراتهای ایرانی طی سال های انقلاب مشروطیت با ایثار خون خود بدست آورده‌اند) چهره قانونی بدهد، چیزی جز یك شعبده بازی نیست.

آقای‌دبیر کل شاخود میتوانید نگرانی و خشم عادلانه مخافل دموکراتیك کشور ما را در برابر این صحنه‌سازی که آشکارا در جهت تشدید استبداد پلیسی ورژیم خودسری است درك نمائید. بهمین جهت حزب ما بنمایه نماینده زحمتکشان‌ایران بشما و بوسیله شما به کمیسیون حقوق‌بشر مراجعه‌مینماید وبرضد این نقض‌های‌فاحش حقوق وآزادیهای مردم‌ایران اعتراض میکند.

ما از شما خواهشمندیم از شخصیت بین‌المللی خود استفاده کنید و بدولت ایران تعهداتی را یادآور شوید که بهنگام‌امضای اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد احترام حقوق فردی و آزادیهای سیاسی بعهده گرفته است، یعنی همان نکاتی که در قانون اساسی کشورما نیز مصرحاً ذکر شده ودولت ایران اجرای آنرا بقید قسم تضمین کرده است.

با توجه به جنبه غیر قانونی انتخابات ما نامه‌ای به مجلسین شورا و سنای ایران نوشته ایم‌وروتوشت آنرا برای‌دولت‌ارسال‌داشته‌ایم. ما در این نامه خواسته‌ایم که جریان کنونی انتخابات متوقف گردد وتدابیر قانونی مقدماتی وابتدائی برای استقرار آزادیهای دمکراتیك اتخاذ شود تا مردم ایران بتوانند آزادانه اظهارنظر کنند ونمایندگان خودرا درنهایت آزادی انتخاب نمایند.

ما از شما وهمچنین از کمیسیون حقوق بشر خواهشداریم با کلیه وسائلی که در اختیار دارید از این خواستهای حقه مردم ستمدیده ما حمایت کنید.

آقای دبیر کل در انتظار اینکه از اقدامات شما درنزد دولت ایران اطلاع یابیم احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیرامون برخی مسائل جنگ وصلح وانقلابهای آزادیبخش ملی

بقیه از صفحه ۳

نمایندگی جمهوری دموکرات ویتنام . . . بمناسبت کمانهای بزرگ وارزاننده مردم شوروی» حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی بیامر پیشرفت اتحاد ، تحکیم قدرت دفاعی جمهوری دموکراتیک ویتنام و پشتیبانی نیرومند آنان از پیکار آزادیبخش مردم ویتنام مراتب سپاسگزاری عمیقرا ابراز نمودند . رفیق لاوولن دبیر اول کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ضمن سخنرانی خود در کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از قدردانی از کمکها و پشتیبانی مؤثر اتحاد شوروی از مبارزه آزادیبخش مردم ویتنام گفت : « برای ما کمونیستهای ویتنام دو وظیفه وجود دارد : یکی ویتنام و دیگری اتحاد شوروی . . . اینها فقط چند نمونه عادی از ارزیابی نمایندگان خلق افغانستان ویتنام است .

غیرازاین ارزیابی‌های فصیح‌گاه خردمندگیرهائی مثلا از این قبیل شنیده میشود که : «آری امپریالیسم امریکا یک ۵۰۰ هزار سرباز به ویتنام اعزام برده و هواپیماهایش خاک کشور سوسیالیستی ویتنام را بمباران میکنند . ولی اتحاد شوروی کمکهای خود را بدوسال ، یا دو ، یا سه ، یا چهار ، یا پنج ، یا شش ماه محدود کرده است » . ما درباره حجم کمکهای مادی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر که هر سال به میلیاردها دلار تخمین زده میشود قبلا به تفصیل نگارشیم . این مطلب از خلال ارزیابی تقدیمه خود رهبران و نمایندگان پنج خلق ویتنام نه تنها درچوارشه متعکس است بطوریکه اشکالی است . و اما در مورد کمک متقابل کشورهای سوسیالیستی بصورت اقوام نفرات ، بطوریکه میدانیم این کشورها پیمانها امضاء کرده اند که هر هنگام که جمهوری دموکراتیک ویتنام لازم بداند آمادهاند بیدرنگ بیاری خلق ویتنام تاکون کمک بدهندبصورت و بدلائل مبین لازم بدیده و تقاضائی در این زمینه مطرح نکرده اند. بدوان توضیح داده شده که آکردوت‌جمهوری دمکراتیک ویتنام و رهبران جبهه ملی آزادی ویتنام چنین چنین مطالبی را عنوان کنند ابرازدیدوهای دولتیان از کشورهای سوسیالیستی کم و کاستی پیدا نخواهد کرد . منعنا ناگفته نماند که یکی از مواضع اساسی فرایان راه خود مقامات رهبری جمهوری توده‌ای چین هستند .

و اما در نتیجه گفرمائی و ایفاد زمامداران ویتنامی و کمکهای موثر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، اکنون که چند سال ازتهاجم وحشیانه امپریالیسم امریکا بویتنام میگذرد امپریالیستها علیرغم تمام تلاشها و بکارگیری ماشین جنگی عظیم خود نتوانستهاند بهدوجیات ازمعدیلهای خود نائل شوند . اقوام دبیر کل حزب مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ۲۰ ژوئیه امسال ضمن سخنرانی خود در میتینگی که بافتخار اعزاف فارغ التحصیل آکادمی نظامی شوروی برپاشده بود گفت : « اکنون چند سال است که معاقل تجاوزکار امریکا به جنگ را هزائم در ویتنام متفرقند . ولی اکنون مجبوز به هدفهائی که در آغاز ماجراجوئی ویتنام خود مبین کرده بود تاوردیگر نیست بلکه دور نیز است » .

بنابر این در این جبهه مقدم جنبش آزادیبخش ملی نیز تعدتها هیچگونه « عقب نشینی » و « تسلیم» از طرف سوسیالیسم در قبال امپریالیسم انجام نگرفته بلکه برعکس بهامپریالیسم همواره ضربات سنگین وارد شده و میشود .

۳ ـ حوادث خاور نزدیک : اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن سالهاست که علیه کشورهای ازبندرسته عرب مقاصد تجاوزکارانه ای تعقیب میکنند . هدف آنها عبارتست از سرنگون ساختن رژیم ملی جمهوری متحده عرب و سوریه و سایر کشورهای عربی که با مبارزه قاطع علیه دو راه از تحکیم استقلال ملی و تأمین ترقی و تعالی ملل خویش راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفته ومورد کینه شدید امپریالیستها هستند. کشور ملی عربی با این مبارزه برای جنبش آزادیبخش ملی منذ استعمار مردم کشور ملی همسایه خویش از زمینه مساعدی برخوردار میاورند و مناطق سیاسی واقتصادی و نظامی امپریالیسم بویژه مناطق نفتخیز خاورانی جهانی را سخت به خطر میاندازند . در تجاوز اخیر اسرائیل این همین هدف تعقیب میشد . برای این تجاوز اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن بهدف خود نرسیدند و با میلیاردها دلار صرف کرده بودند .

کشورهای عربی یکدست کشورهای سوسیالیستی و در طرحه اول اتحاد شوروی برای مقابله با این تجاوز سالها تدارک دیده بودند. طبق گوئیهای مطبوعات جهان اتحاد شوروی بیش از ۲ میلیارد دلار تنها برای تقویت قدرت دفاعی جمهوری متحده عربی کمک کرده بود .

ولی معاقل جنگ طلب اسرائیل باتوسل بافزونر و شیوه های مجلانه و عدمگرانه در همانحال که امضایهای میدهاند بهیورچه سرجنگ ندارند ناگهان دست به تجاوز زدند و توانستند موقتا پیروزیهای سریع بدست آورند .

البته در اینمورد بطریکه میدانیم قضاوتها و عکسالعملهای برخی از فرماندهان نظامی کشور ملی عربی شاید بیش ازعدمه گریهای اسرائیل قلق دائرته است و ما لازم نمیدانیم در این باره به تفصیل بپردازیم . ولی علیرغم این عوامل اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی وظیفه خود را در زمینه متوقف ساختن تجاوز تمام وکمال انجام دادند. اخطار جدی وی دولت اتحاد شوروی و اقدامات مؤثر آن در سازمان ملل متحد و غیره این بار نیز مثل سال ۱۹۵٦ پیشروی متجاوز را متوقف ساخت . صدور این امر دشوار نیست که اگر این مجاهدات اتحاد شوروی نمیبود الان نیروهای اسرائیلی درچه قلقلی مستقر بودند . ولی اتحاد شوروی تنها به متوقف ساختن پیشروی متجاوز بسنده نکرد و به فعالیت مجدانه برای مناقشه عواقب تجاوز اسرائیل دست زد .

آکاسی کلسیگین ضمن سخنرانی خود در اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد که : « اتحاد شوروی اشغال مناطقی راکه توسط اسرائیل انجام گرفته برسمیت نمیشناسد » واگر دولت اسرائیل تجاوز را موقوف نکند و نیروی هائی خود را به پشت خط آتش‌بس عقب‌نشکند کشورهای سوسیالیستی « کلیه اقدامات لازم را برای کمک بهمثل کشورهای عربی بعمل خواهند آورد تا این ملل بتوانند برای دفع متجاوز به مقابله قاطع برخیزند » حقوق حقه خویش را محفوظ دارند . اجازه جنگ را در خاور نزدیک خاموش نشانده و صلح را در این منطقه احیا کنند » .

الزاید بزرگ در همان ضیافت افسران فارغ التحصیل گفت : ما میخواهیم باورپیک تا کید کنیم که متجاوز موقعیت است بسلط خودرا از خاک دیگران بیرون بکشد و خسارات وارده به ملل جمهوری متحده عرب ، اردن و سوریه را جبران کند . این حکم مردم شوروی و مردم شریف سراسر جهان است . این حکم مردم شوروی و مردم شریف سراسر جهان است .

این سخنان بازتابی بهتصمیم اتحاد شوروی و سایر حکمتورهای سوسیالیستی با دفاع بیدرنگ و پشتیبانی قطع مادی و معنوی از ملل عربی بار دیگر وفاداری خود را با رفیق ملی و بطور کلی به جنبش آزادیبخش ملی سراسر جهان در عمل نشان میدهند . بنوارت تردید نداشت که اسرائیل چاره دیگری جز طرب نشستن و بازپس دادن مناطق اشغالی در کشور های عربی نخواهد داشت .

بدینسان در این عرصه جنبش آزادیبخش ملی نیز نیروهای امپریالیستی بهچوبه توانستهاند وانخواهند توانست بمقاصد اصلی خود بنبی سرکوب جنبش و سرنگون ساختن رژیم های مترقی و تحکیم تسلط خود تشکل آنجا . تغییر تناسب قوای جهانی کمه بسود سوسیالیسم انجام گرفته و میگیرد راه را بر تیرو های متجاوز در این منطقه بسد میکشد .

اکنون که از حوادث خاورمیانه مدتی گذشته است وقتی بگذشته میگریم باطمینان کامل میتوانیم بگوئیم که روش اتحاد شوروی در روز های بحرانی خاور نزدیک کاملا صحیح بود و این کشور همراه با سایر کشور های سوسیالیستی وظیفه انترناسیونالیستی خود را در قبال جنبش آزادیبخش ملی عرب انجام و کمال انجام دادند . اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی برای دفاع از آزادی و استقلال ملل عرب راه خردمندانه را برگزیدند . تجاوز متوقف شد و نباید تردیدداشت که کشورهای عربی خاورنزدیک بهاهداف خود خواهند گرفت . چند ماه دیرتر و زودتر فرامل مطلب بعنی در مقیم ماندن کامل قلقه های امپریالیسم هیچگونه تاثیر اساسی نمیتواند داشته باشد . اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن بهدف خود نرسیدند و با وجود تناسب جدید قوای جهانی هرگز هم نخواهند رسید . ولی جنبش آزادیبخش ملی عرب به پیروزی نهائی خواهد رسید . حوادث اخیر خاور نزدیک پرچم امپریالیستها روحیه اشکاری را در میان توده های مردم کشور های عربی بهراتب قوی‌تر کرده و اراده آنها را برای نیل به پیروزی را سخ تر ساخته است . مواضع واقعی انقلاب در این کشورها محکمتر شده است .

بطوریکه میدانیم پیکار آزادیبخش انقلابی ازیک سلسله نیروها و رزمها تشکیل میشود . راه این پیکار سرراست نیست . فراز ونشیب دارد . کامیابی وناکامی دارد . مبارزات واقعی حق تعداد تحت تأثیر عوامل موقت و زودگذر قرار گیرند .

تشدید بزرگ در سخنرانی روز ۲ ژوئیه همین مطلب را خاطرنشان ساخت و گفت : « ما از پشت این تریبون میخواهیم به دوستان عرب خود بگوئیم : مردم شوروی نیک میدانند که شما اکنون روز های دشواری میگذرانید ولی دریک‌کارآزادیبخش ـ بطوریکه تاریخ هر مبانی گواهی میدهد ـ تنها پیروزی وجود ندارد» ناکامیهای موقت هم هست . ولی این ناکامیها نمیتواند اراده مردمی را که باکشهای استوار راه آزادی و استقلال را در پیش گرفته‌اند درهم شکند . این ناکامیها فقط عزم آنانرا در مبارزه راسخ میسازد » .

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی افزود که «آزادی ملی واجتماعی امر حق است وبخاطر آن باید مجدانه در تحکیم کشور های ای بدوسته و تقویت قدرت دفاعی آنان کوشید و همیشه بیاری دفع دسائس تجاوزکرانه امپریالیسم آماده بود » .

رهبران کشور های عربی و نمایندگان رسمی آنها برای پشتیبانی مجدانه اتحاد شوروی از مبارزه ملی عرب ارزش عالی قائل شده‌اند .

جمال عبدالناصر روز ۲۳ ژوئیه ضمن سخنرانی خود بمناسبت یازدهمین سالروز انقلاب مصر در میان کلک زدهای پرشور حاضران گفت : « اتحاد شوروی جلبیدار ما است ! از لحاظ سیاسی واقتصادی بما کمک میکند وقرارداد نیروهای سلح ما مجاهدت میورزد» . عبدالناصر جای دیگر ضمن پیام به دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی میگوید : « عزمندم از شما که ... مراتب سپاسگزاری‌ایمن‌عاق جمهوری متحده عرب و شخص خود را بمناسبت موضعگیری دوستانه و کمک های قاطع و اساسی مظیمی که در پشتیبانی از پیکار عادلانه ملت عرب ... مبذول داشته‌اید ابراز دارم . ـ خلق ما پیکار خود را باعزم راسخ وایمان کامل بهپیروزی این پیکار وبه ناگزیر بودن برانداختن عواقب تجاوز ادامه خواهد داد » .

هواری بومدین نیز روز ٦ ژوئیه در پیام خود به رهبران شوروی چنین نوشت : « بمناسبتی ازاوضاع خلق الجزیره ، کوتهی انقلاب ، دولت الجزیره وشخص خود مراتب سپاسگزاری و رضامندی خودمان را بمناسبت پشتیبانی مضاعف مردم ودولت شوروی ازپیکار عادلانه کشور های عرب علیه تجاوز اخیر امپریالیسم امریکا ومدال‌آن اسرائیل ابرازمیدارم ... همینکه مؤثر اتحاد شوروی باسازاره عقلهای‌عرب علیه‌امپریالیسم امریکا به احقاق حقوق حقه کشور های عرب ... کمک ارزان خواهد کرد » .

سخنرانی کلیم ۱۳ کشور عربی در مسکو ضمن اعلامیه مشترک درباره حوادث‌اخیر خاور نزدیک تصریح کرده‌اند که : « اتحاد شوروی و دیگر حکشورهای سوسیالیستی در بحبوحه تهاجم تهورکرانه اسرائیل باز دیگر پشتیبانی مادی و معنوی و سیاسی و دوستی خود را به ثبوت رساندند . اتحاد شوروی در شورای امنیت حد اعلای مساعی خود را برای محکوم ساختن متجاوز و عزوج نیرو های آن از مناطق تحت اشغال بکار برد . در نتیجه این مساعی سیاست امپریالیستها که با اسرائیل بمنوست کرده و برای حفظ ساختن قوطله علیه کشور های عربی سعی داشتند اثر بخشی شورای امنیت را در زمینه تحکیم صلح جهانی ثلج سازد ، خنثی شد . سپس درملاقیه کشته میشود اتحاد شوروی با دیگر وفاداری خود را نسبت به دوستی با ملل عرب نشان داد و در مبارزه علیه بیدادگی و عدمگری جلب آنانرا کرات . بیمیمتای که از طرف رهبران شوروی اتخاذ شده است گواه جدیدی است بر دوستی دیرنی ملل ما و آمادگی اتحاد شوروی به بذل هرگونه کمک برای تأمین کدمیلی دوستی ملل عرب در راه آزادی » . در اطلاعیه بخصوص خاطر نشان شده است که « بیداری از افراد شوروی نسبه مثالی بدوان

سازمانهای های کشور های عربی فرستاده و ضمن آن آمادگی خویش را برای پشتیبانی از اعرب علیه استعمار و امپریالیسم و عمال اسرائیلی آن ابراز داشته‌اند » .

☆ ☆

اتحاد شوروی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را اصل اساسی سیاست خارجی خود بنا کسا هوی امپریالیستی قرار داده وفراجرای آن صدیق‌میکوشد. بنیروی از اصل اینبی همزیستی مسالمت آمیز هیچگونه تعارضی باپشتیبانی‌اتحادشوروی و کشورهای سوسیالیستی از انقلابهای آزادیبخش ندارد . اولیه برزنف در همان سخنرانی بخصوص خاطرنشان ساخت که : « اتحاد شوروی در بین اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز قصد ندارد احتمال متجاوزین را قمش می‌کند . معقلل امپریالیستی باید این مطلب را جداً بخاطر بسپارند که دشواری‌ایمن

پیرامون برخی مسائل جنگ وصلح وانقلابهای آزادیبخش ملی

(از زاویه حوادث جهانی اخیر)

جهان منظره نگرانی آوری بخود میگیرد . امپریالیسم جهانی حملات تجاوزکارانه خود را بشدتی بیش از پیش بروز میدهد . تجاوز آنچکاوانه امریکا و ویتنامدادامه دارد. فشرایش تجاوزات معاملهٔ امپریالیستی با دستیرد راهزنانه منافقانی از خاك کشور های عربی را اشغال کرده است و میکوشد این منافق را در تصرف خود نگاهدارد . در بونان رژیم فاشیستی معافل نظامی حکومت است ، استعمار گران انگلیس چیش آزادیبخش موردم عدن را به خون میکشند . در آلمان غربی نیروهای میلیاریست و انلاپچرا دعاوی کشاندهٔ خود علیه جمهوری دموکراتیك آلمان و ارسال دعاوی ارضی و مزری قصت بردار نیستند .

خلاصه اینکه امپریالیسم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر دوران خرهم شکن برنامهٔ جهانی آن وارد ساخت و سپس در نتیجه پیروزیهای تلویس سوسیالیسم ، جنبش جهانی کارگری ، انقلابهای ملی ، انحلال سیستم جهانی استعمار وسیستمهاو ارضی و مزدی دچار شده است به حکم قانون تاریخ گرفتن. لهذا و به میل خود از صحنه تاریخ بدرود . امپریالیسم هر چندی یکبار به تلاش جنایت میل مسائل ارزیابی صحیح و سمت‌گیری سیاسی دقیق برای تمام سرنشینان کشتی جنبش انقلابی آزادیبخش ملی ضرورت ویژه کسب میکند .

مسئله جنگ و صلح

دیرزمانی است که مسئله جنگ و صلح حاد ترین و اساسی ترین مسئله دوران ما شناخته شده است . این مسئله قبل از دوسیت جنگ جهانی نیز اهمیت حیاتی داشت. حتی این سالها پیش خاطرنشان ساخته بود که جنگ جهانی بدان آنکه دوران بعثیلی وسیع از مکاوردهای علمی و فنی برای گشتاو میلیونها انسان استفاده میشود عواقب بیش از پیش هولناکی ببار خواهد آورد . اینن میگفت جنگ جهانی بلیونین کیفیتی علاوه‌ترآنکه بزرگترین تهدیکاری است ممکنست کار را بیه ، نابودی شرایط موجودیت جمعیه بشری بکشاند . (جلد ۲۷ ، ص ۲۸۶) . اینن میگفت پیشینین عواقب مهیب جنگ جهانی آینده میگوید : « راهی خواهد رسید که جنگ آتوبان مغرب خواهد گشت که اقدام یك یکنی غیر ممکن خواهد شد » (مکاتبات کورویتکایا ، « به باره اینن » ، ص ۴۰ - ۴۱) .

این سخنان را اینن در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیك و پیدارات آن تکنیك جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مطوح آتمی و هسته‌ای و موشکی وغیره خطر جنگ جهانی را صدها و هزارها بار شدیدتر از سابق بیش کرده است .

مردم زحمتکش جهیگاه برای رسیدن به آرمان های حیاتی و هدفهای انقلابی خویش به جنگ جهانی نیاز نداشتند. ولی ممکنست معامله اینطور مطرح شود که : « در جنگ جهانی گذشته طبرغم بلزیا و مصالب حمحشان آن لنایجی بیار آوردند که سیر تکامل تاریخ جهانی را تسریع کردند و زمینه مساعدی را برای تأمین « آینده زیبای » مردم زحمتکش و تمام جامعه بشری هموار ساختند » بدین معنی که از میان ویرانه های جنگ اول جهانی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تشکیل کشور سوسیالیستی جهان و ایجاد اردوگاه شهرها و میلیونها کوپانی نوین جنگ جهانی ، اردوگاه جهانی سوسیالیستی سرزدن آورد . در قبال این نحوه مطرح مسئله باید گفت که اولا در دو جنگ جهانی گذشته بسبب خصلت ملاحظاتی که در آنها پای میزد بسیار مشابه ، موجودیت سراسر جامعه بشری ، مطرح نبود و تنها حتی در آستان همان جنگها تنها قدرتهای جهان و در رأس آنها کشورسها با تمام قوا میکوشیدند. از جنگ جهانی جلوگیری کنند . مبارزات سرسخت اینن علیه جنگ در آستان جنگ جهانی اول و بخصوص در جریان جنگ در کنفرانسهای سوسیالدمکراتیك و کمونیستی و غیره و نیز مجاهدات پیگیر اتحاد شوروی برای جلوگیری از دومین جنگ جهانی در صفحات تاریخ ثبت است .

بالوجود این اگر امروز نیزملاحظات جنگی خصلت معلوف کنونی خود را نداشت مسئله جنگ و صلح با حدت کانونی آن مطرح نبود ولی سلاح هسته‌ای در تکنیك جنگی تغییرات کیفی ایجاد کرده است . پیدایش سلاحهای هسته‌ای و موشکی و غیره به جنگ جهانی جدید خصلتی میدهد که هیچ انسان دارای عقل سالم نمیتواند حکم کند که چنین جنگی به انقلاب جهانی و به پیروزی سوسیالیسم کمك خواهد کرد و آینده زیبا ، به جامعه بشری تسریعه خواهد داد . متخصصین در باره عواقب محتمل جنگ جهانی جدید نتیجه‌گیری‌های سیاه‌سرنیج کرده‌اند. مثلا پروفسور بلیکت دانشمند معرفی امریکائی در کتاب خود بنام « شیوه بنا جنگ » حساب کرده است که ۶۰ روز پس از شروع جنگ هسته ای از ۱۶۰ میلیون امریکائی ۱۷۰ میلیون غیر شاید خواهند شد و ۱۵ میلیون غیر از آن اسیب جدی خواهند دید وتنها ۴ میلیون نفر مسکنست بالنسبه سالم بمانند . طبیعی است که در منطقهٔ دیگر جنگ جهانی نیز وضع از این بهتر نخواهد شد . عواقب بطانی جنگ هسته ای یعنی مسمومیت رادیو اکتیو نیز از گریبان « بازماندگان » جامعه بشری دست برنخواهد داشت . البته نظام سرمایه داری ودیوانسالاری جهانی در آتش این جنگ خواهند سوخت و از آنها جز نام نخواهد ماند. ولی هیچ عنصر ترقیخواهی چنین آینده ، ایرا پرای انسانها نخواهد پسندید و راه گرفتن وتعالی جامعه بشری را ازوادی چنین جنگی تجویز نخواهد کرد . در جنگ جهانی هسته‌ای تمامت بشر جیفه و پشت جبهه بطور عمده و یا بیگانی از بین خواهد رفت .

حتی اگر بزعم میلتین چینی قبول کنیم که در صورت بروز جنگ جهانی ، فقط صد اکثر نیمی از سکنه کره زمین نابود خواهند شد ، باز هیچ انسان دارای عقل سلیمی نباید ایشان به سرنوشت ملل لایقید باشد و چنین دورنمائی را « آینده زیبا » برای جامعه بشری بداند. اگر کسی بخواهد بخاطر «انقلاب جهانی» و ازوبات کردن آن از چنین متن شد انسانی و متد ملی پیروی کند ، توده مردم زحمتکش بیشك ضدت وی بسیله او خواهند کوفت و هرگز حاضر نخواهند شد زمام سرنوشت خود را بدست چنین انقلابی نماهای بسپارند . پیروی از چنین متن تهکارانه‌ای خیانت به جنبش آزادیبخش ملی ، خیانت به انقلاب جهانی است .

در اینجا مسئلهٔ است چنین سئوالی مطرح شود که اگر امپریالیستها خود از مصلحت جنگ هسته ای بخوبی بیم نمودند و از وجود «تدبیر کافی» سلاحهای هسته‌ای وموشکی

آیا امپریالیستها جرأت اقدام به جنگ هسته ای را دارند ؟

در زیادخانه اتحاد شوروی واز آمادگی نیرو های مسلح شوروی برای دفاع مسلحانه ضربت مقابل هسته‌ای آگاهند جرأت اقدام به جنگ هسته ای را خواهند داشت؟ پاسخ این سئوال تشکیله مفاهمکه امپریالیسم وجود دارد تیروهای ارتجاعی بعنوان آخرین وسیله حفظ نظام خود موضوعی بنوع اساسه وبخصوص بسلاح هسته‌ای و موشکی خواهند چسبید . میلیونیستها بجنگ‌جهانی هسته‌ای را در معامله خود علوح نکرده اند و در صورت بروز جنگ جهانی ازسلاحهای هسته‌ای استفاده خواهند کرد . البته این بدان معنی نیست که در معامل امپریالیستی مناسبات واقع بین وجود ندارند . ولی در عین حال خطا است گمپر شود که این معامل از وجود « عناصر هار » بسیار مبارجاو و دیوانه سرخالی است . در مطبوعات غرب اظهارات عناصر افراطی هار که حاضرند خودرا بهمر آب وآتش بزنند و حتی جنگهای موضعی جهان حاضرند گرفت. واما تاپاچها بلند هدف بدست آمده بود و آن اینکه امریکا از امریکا ژنرال هائی که استفاده از سلاح هسته‌ای را در جنگها طلب میکنند وفکر پیشدستی در وارد ساختن ضربات هسته ای مصمم‌ترگر آنها را ، وسوسه میکند مشکست در یکی از امطات پس تشنج نیرومند تر از قبل ، فزاید . عنصری مانند کلدواتر که آنکارا سلاح هسته ای را بسرخ میکشید از طرف حزب جمهوریخواهان امریکا کاندید ریاست جمهوری امریکا بود. اگر کشور های سوسیالیستی پیاپیروی از مشی خردمندانه و به نیروی مبارزه سرسخت و پیگیر خود همزیستی مسالمت آمیز را به معافل امپریالیستی تحمیل نکنند و برای از بین بردن گلوانهای آتمام محلی و کاهش و خلت بین‌المللی تکوشند و اجازه دهند که هر تمام‌هم محلی به‌اعتلام بزرگ بدل گردد بیشك جهان دورانهای جز حزبش هسته ای هالمگیر نیز پیش نخواهد داشت. کمابیکه به‌پیروی ازتبلیغات کورکورانه مأوتسه‌تونگ میپندارند تصامات موضعی در هیچ شرایطی کار را بجنگ محلی محارب پیتهاهای نظامی نخواهد ساخت نیز اشتباهند . حوادث سالهای اخیر نشان میدهد که در دوران ما خطر تبدیل جنگهای موضعی بجنگ جهانی بسیار عظیم است و بخصوص اگر کشور های دارنده سلاح هسته‌ای در چنین جنگهائی وارد بشوند و یا با کشور های محارب پیتهاهای نظامی داشته باشند خطر بکاربردن سلاح هسته‌ای جنبه بسیار جدی بخود خواهد گرفت . آنکسی کسیگین نخست وزیر شوروی روز ۱۱ ژوئن سال جاری متمن سخنرانی خود در اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد بالصراحه اعلام کرده که : « امروز هیچکس تردید ندارد که اگر جنگ جهانی‌جدید درگیرد ناگزیر جنگ هسته‌ای خواهد بود » .

پس خطر جنگ جهانی وجود دارد و عناصر افراطی هار ومتجاوز نظیر کلدواتر وغیره جنگ جهانی هسته‌ای را از حساب خود خارج نکرده‌اند و خطر آنها یعنی خطر جنگ جهانی با استفاده از سلاح هسته‌ای را بهیچوجه نباید شوخی گرفت .

مسکنست معترضانه گفته شود که در صورت پیکبیری کشور های اتمی امپریالیسم سوسیالیستی درمبارزه علیه جنگ جهانی، امپریالیستها میتوانند در هر لقطه‌ای از جهان آزادانه به تجاوز دست بزنند و هیچ بیمی از مداخله اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی نداشته باشند (زیرا « به تجربه » دریافته‌اند که کشور های سوسیالیستی از جنگ « پرهیز » دارند و بنابراین نیرو های تجاوزکار میتوانند با فراغبال به اجرای نقشه های توسعه‌طلبانه‌خود بپردازند و کشورهای سوسیالیستی برای روشن شدن مطلب به‌کوبا اشاره کرده‌اند که میلتین چینی بخصوص روی آنها تکیه‌میکنند درنظر میگیریم) بحران کارائیب ، ویتنام ، حوادث اخیر خاور نزدیك .

۱ - بحران کارائیب - جامعه بشری هیچگاه مثل اکتبر سال ۱۹۶۲ اینقدر بامرحله جنگ هسته ای نزدیك نشده بود . دولت شوروی وحدات کوبا درایامی که امپریالیسم امریکا تجاوزات کامل جمهوری آزاد کوبا را هدف خود قرار داده بود برای دفاع از انقلاب کوبا موافقت کردند. موشك به کوبا ارسال گردد. این یکانه وسیله عملی مؤثر برای برحذر داشتن امپریالیسم امریکا ازتجاوز بود. این اقدام قاطع اتحاد شوروی امپریالیست های امریکا را تکان داد و آنها برای اولین دیدند که در صورت تجاوز به کوبا مضربت درهم شکن و آتمم در خاك امریکا نوش خواهند کرد .

از آن پس بحران آغاز شد . ولی درآنجا مطلب تنها بر سر تمام نیاز امریکا و کوبا نبود بلکه بر سر تصادم احتمالی میان دو کشور بزرگ صاحب بزرگترین قدرت اتمی جهان بود. بدینجهت بحران موضعی درپای کارائیب جنبه‌بحران جهانی حاصلبود گرفت. واما تاپاچها بلند هدف بدست آمده بود و آن اینکه امریکا از تهدید قبلی خود در باره تجاوز به کوبا منصرف شده بود . منتها برای سرخ نگاهداشتن صورت خود مسئله خروج موشکهارا پیش میکشید . برای خروج از این بحران نیز راه وجود داشت : یا میبایست راه جنگ جهانی را فریش گرفت و یا مسابقه درعرصه مبارزجوئی تسلیم خود شد و راه جنگ افروز ترین تهدیدکاری امپریالیسم بدل شد وبا استفاده از امکانات جدیدی که در نتیجه ایدال موشك فراهم آمده بود بحران را از طریق مسئلهٔ آمیز حل کرد و ضمن آن موجودیت کوبا و تکامل انقلاب آنرا نیز تضمین نمود .

امریکا در قبال خروج موشکها تعهد کرد که از تهاجم به کوبا خودداری کند و متعهدین خود را نیز از اقدام به تهاجم باز دارد .

بدینسان امپریالیسم به هدف خود نرسید و مجبور به عقب نشینی شد . اتحاد شوروی میتوانست موجودیت کوبا و انقلاب کوبا را محفوظ بماند و بهدف خودرسید و امپریالیسم را به عقب نشینی وا داشت .

کوبای انقلابی آزاد ماند . صلح جهانی تحیات یافت . اکنون که قریب ۴ سال ازآن بحران خطرناك میگذرد جهانیان میدانند که جمهوری سوسیالیستی کوبا در ۹۰ میلی کشور غول آسای امپریالیستی جهانی برپای خود استوار ایستاده و به تنها آزادی و استقلال خود را حفظ کرده بلکه در مکز « رهائی خلقهای سراسر کناره امریکای لاتین » قرار هست . کدام راه نظاتی در انقلاب بود ؟ راهی که اتحاد شوروی تعقیب کرد یا راهی که انقلابیان خواهان خود تجویز میکردند؟ آنها بطوریکه میدانیم درحالیکه عزت خود رامی‌دست نگاهدارند بودند پیشروی تا سرحد تصادم میان اتحاد شوروی و امریکا را طلب میکردند. تصور اینکه پیروی ازاین «توصیه» کوبا و سراسر جهان را به چه سرنوشتی دچار میساخت مشمول نیست. امروز حتی مغرضترین افراد هم نمیتوانند بگویند که متی خردمندانه اتحاد شوروی از پرهیز از جنگ جهانی هسته‌ای برای حل بحران کارائیب « عقب نشینی » و « تسلیم » دربرابر امپریالیسم بود. برعکس این امپریالیسم بود که در برابر سرسختی عقب‌نشینی کرد و مجبور شد وجود کوبای انقلابی را ملوم و کمرها در تاریخی خود تحمل کند .

فیدل‌کاسترو نقش اتحادشوروی وسیاست وافدگاه انقلاب اکتبر را در آن روزهای سخت ، چنین ارزیابی کرده است : « کشوری که بخاطر دفاع از یك ملت کوچك ، آنهم ملتی که هزاران کیلومتر از آن دورتر است ، تمام نفسی را که طی ۴۵ سال خاك خاکی و به بهای قربانیهای عظیم بدست آورده بود در گفته‌ازاری جنگ هسته‌ای قرارداد - چنین کشوری با اقدام مجد و عظمت خود خواهد خواهد . کشور شوروی که دوران جنگ کبیر میهنی علیه‌فاشیست‌ها بیش از بیست سال پیش از حال حاضر دفاع داد از حق حیات و قربانیهای عظیم خود دفاع کند ، همکنیکه‌یك دفاع از کشور کوچك ما بمیان آمد . درمقابل ازخطر جنگ صعب تزلزل بخود راه نداد. تاریخ نظیر این همیشگی را بیاد دارد. اینست انترناسیونالیسم ! اینست کمونیسم!

۲ - یکبار آزادیبخش ویتنام - اتهام «تسلیم»

« عقب نشینی » درقبال امپریالیسم» درمورد چگونگی روش کشور های سوسیالیستی نسبت به تهاجم وحشیانه امریکا علیه خلق ویتنام نیز اتاب پیکوش میبورد . اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی کمك بیدریغ به‌پیکار آزادیبخش‌مردم ویتنام‌را وظیفهٔ انترناسیونالیستی و مایه افتخار خود میدانند . در عرف میزان واثر بخش کمکهای این کشورها و درمرحله اول کمکهای اتحاد شوروی به‌مردم قهرمان خلق مردم ویتنام بود ویتنام به در شمال وچه در جنوب کشور بیش از هرکس اطلاع دارند و ارزابی خود را در این باره بلیه بکرات اعلام کرده‌اند. داهکو گوآنگسین ویتنام جنوبی در اتحاد شوروی قائم چهه‌هائی آزادیبخش ویتنام جنوبی دراتحاد شوروی درآستان پنجمین سالروز تشکیل این‌جبهه‌میفرماید : « کمکهای همه جانبه ، انقلابی‌دموکراتیك و و همبستگی خلق انقلابی بزرگ‌جهان » مردم شوروی با ویتنام مبارز نوشت : « ما اطمینان داریم که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی با خلق ۲۳۰ میلیون نفری شوروی همیشه جانبدار ما خواهند بود. درخاتمیه رسمی سفرهو درهنگوی فرازانویه سال گذشته تصمیم خود که : «مبارزه

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه۱

نامه سرگشاده کمیته مرکزی به مجلسین شورا و سنا

قشرها و حتی افراد متشعبی از جامعه ما و اکثراً بزبان طبقات وقشرهای زحمتکش وضع میشود بلکه همین قوانین و مقررات ماهیتاً غیربرابر نیزبطور یکسان درباره همه اشخاص رعایت نمیگردد. کی میتواند علیرغم واقعیات مدعی شود که در کشور ما کارگر وکارفرما، دهقان و مالک ازنظر اجراء قوانین بیك چشم دیده میشوند و مراجع دولتی و دادگستری درپرده شکایات هریك از آنان بطور برابر رسیدگی میکنند؟ تبعیضاتی که در کلیه ادارات و مؤسسات دولتی براساس زد وبندها رشوه گیریها، رفاقتها و پیوزه سفارشهای مقامات عالی دولتی انجام میگیرد بسرحدشاع رسیده است و گمان نمیرود برای اثبات آن احتاج باقامه حجت و بینه باشد.

این تجاوزات وناباریها درمورد حقوق سیاسی و اجتماعی بازهم برجسته تر است. یکی ازحقوق مسلمه سیاسی مردم ایران آزادی اجتماعات است که در اصل ۲۱ متمم قانون اساسی بزبان زیرین تصریح گردیده است: «اجتماعات و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی ومخل نظم نباشد درتمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع ومیدانهای عمومی هم بایدتابع قوانین نظمیه باشد».

لابد توجه دارید که طبق این اصل هیچگونه حقی برای دولت و مجلسین در باره تشکیل اجتماعات و انجمنها براساس عقیده سیاسی واجتماعی شناخته نشده است ومحدودیت هائی که تصریح شده است صرفاً جنبه انتظامی دارد. بنابراین واضح است که حتی قانونی که مجلسین میباید طبق این اصل درباره احزاب و اجتماعات وضع نمایند (وظیفه مهمی که هنوز پس از ۶۰ سال از تاریخ تصویب متمم قانون اساسی همچنان در پوچ اجمال مانده است) فقط مربوط به تعیین «ترتیبات» و شرایط و مقرراتی است که باید حاکم بر تشکیل و اداره انجمنها و احزاب و اجتماعات گردد و نمیتواند شامل هیچگونه محدودیت عقیده‌ای و سیاسی باشد.

ازطرف دیگر بنابرهمین اصل هیچگونه اختیاری بدولت در مورد جلوگیری و منوع ساختن احزاب و اجتماعات و تشکیل آنها برحسب عقاید و نظریات سیاسی و اجتماعی تفویض نگردیده است. تنها حقی که طی این اصل بدولت داده شده اینست که مقررات اجتماعات و نمایشهای مردم را در «شوارع و میدانهای عمومی» معین نماید یا بعبارت دیگر قانون اساسی نمایش و اجتماع مردم را در کوچه و خیابان بخودی خود مجاز شمرده ولی بدولت اختیار داده است که برای تنظیم آنها مقررات و قواعدی وضع نماید.

اکنون بواقعاتی که در کشور ما حکمفرماست توجه کنیم و ببینیم این اصل مهم آزادی ودموکراسی درمیهن ما چگونه اجرا میشود. از طرفی هنوز هیچگونه قانون و مقرراتی در باره احزاب و اجتماعات بتصویب مجلسین نرسیده وآئین‌نامه‌ای هم در این‌باره ازجانب مراجع دولتی وضع نگردیده است و از سوی دیگر دولت خودسرانه از تشکیل و فعالیت کلیه احزاب و اجتماعات بجز آنها که خود ایجاد نموده ویا طرفدار او هستند با شدت تمام جلوگیری مینماید. حزب توده ایران را بدون هیچ مجوز قانونی منحل شده اعلام نموده است. فعالین و اعضاء حزب ما وسازمانهای دیگر سیاسی را برخلاف اصل دهم متمم قانون اساسی وقوانین مربوط به آئین دادرسی جزائی بازداشت میکند و بوسیله مأمورین سازمان امنیت و شهربانی شکنجه میدهد، علیرغم اصل یازدهم متمم قانون اساسی که مقرر میدارد «هیچکس را نمیتوان مگر درموارد یکه قانون استثناء نماید» (موارد بمعنای مورد نیست بلکه بمعنای زمان حدوث واقعه معین ازقبیل حالت جنگ وغیره است). بحاکم نظامی استثنائی که از هر جهت غیر صالح برای رسیدگی باین قبیل جرائم هستند میفرستند و بی دربی احکام اعدام، حبس ابد یا اعمال شاقه و مجازاتهای سنگین دیگر در باره آنها صادر مینماید. دولت برخلاف اصل ۲۴ متمم قانون اساسی که میگوید «هیچیك از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یامنع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت درمحل معینی نمود مگر در موردیکه قانون تصریح میکند»، بدلخواه خود و بدون حکم هیچ مرجع قضائی افرادی را تبعید میکند، مجبور باقامت درمحل معینی مینماید و حتی بوسیله ضبط، ابطال و یاعدم تقویض گذرنامه مانع از آن میشود که عده‌ای ازایرانیان مقیم‌خارجه بتوانند آزادانه بوطن خویش مراجعت نمایند. و با این عمل هزاران‌نفر ایرانی‌را خودسرانه ازحق داشتن سند تابعیت کشور خویش محروم میسازند. بدینطریق رژیم کنونی کلیه کسانی را که چه‌انفراداً وچه بطور جمعی سازمانی باسیاست و خط مشی او موافق نیستند و یا حتی آنها که نظرشان با ذوق و سابقه حکومت تطبیق نمیکند و یا به اسلوب عمل وی انتقاد و ایراد دارند خودسرانه و بزور حبس و شکنجه و اعدام یا تهدید و ارعاب از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی کشور واز انجام وظائف میهنی خویش محروم میسازد.

دولت نه تنها مقرراتی برای تظاهرات جمعی مردم یاباصطلاح متمم قانون اساسی برای «اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی» وضع نکرده است بلکه کوچکترین نمایش جمعی مردم را باسرنیزه و کلوله پاسخ میدهد. هجوم وحشیانه پلیس دانشگاه تهران در بهمن ماه ۱۳۴۰ و قتل عام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ نمونه های بارزاین روش ضد دموکراتیك رژیم کنونی بشمار میآیند.

با اینکه اصل بیستم متمم قانون اساسی صریحاً آزادی مطبوعات را در عداد حقوق اساسی ملت ایران ذکر نموده وهرگونه‌مداخله و تفتیش را «بجز درموردکتب ضلال ومواد مضره بدین مبین» ممنوع ساخته است، دولت از کلیه‌مطبوعات وانتشارات مخالف خود عملا سلب حق نموده و بوسیله سازمان امنیت و شهربانی در امور آن مطبوعاتی هم که مجاز شمرده شده است مداخله میکند. بهمین سبب است که احزاب وسازمانهای ملی ودمکراتیك ایران مجبورند با نظریات و عقاید سیاسی و اجتماعی خود را در خارجه چاپ و منتشر سازند و یا با قبول انواع مخاطرات جانی و مالی مخفیانه بچاپ وانتشار عقایدشود بپردازند. بنابراین مقدمات ملاحظه میشود که کلیه آزادیهای عمده‌سیاسی، آزادی‌عقیده، آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی اجتماعات بوسیله رژیمی که از ۱۵ سال‌پیش تا کنون در کشور ما استقراریافته ممنوع‌شده وحکومت استبدادی وضدآزادی جانشین حکومت‌ملی ودمکراتیك گردیده است.

درچنین اوضاع واحوالی‌است که زمان انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا، دوره پنجم مجلس سنا و حتی انتخابات مجلس باصطلاح مؤسسانی که مأمور تغییر دراصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۳ قانون اساسی و سلب اختیار تعیین نخست‌وزیر ازمجلسین است، صادر میگردد وبیکاردیگر مردم ایران بایدناظر صحنه‌سازی فجیعی باشند که بی‌پروا بنام مشروطیت حقوق دمکراتیك را از ملت سلب میکند.

آقایان نماینده‌گان، انتخابات بمعنای خواستن رأی آزاد از مردم است و بنابراین مستلزم اختیار رای دهنده‌گان دراتخاب همین عقایدسیاسی واجتماعی مختلف واشخاصی‌است که باید نماینده افکار و نظریات موردپسند انتخاب کننده‌گان باشند. تصدیق دارید که چنین اختیاری نمیتواند بدون آزادی عقیده، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی تبلیغ، آزادی مطبوعات و غیره وجود خارجی داشته باشد و لذا هر انتخابی که در حالت سلب این آزادیها جریان یابد نه تنها فاقد ارزش قانونی است‌بلکه‌برخلاف‌رای‌ملت‌وماهیتاًمخدوش‌است.

از این گفته مداخلات آشکار دولت و مأمورین آن در انتخابات بحدی است که حتی کسانیکه باوجود این شرایط حاضر برای رای‌دادن هستند اطمینان ندارند که رأی‌آنها خوانده شود و واقعاً بحساب آید. حق هم با آنهاست زیرا نه نمایندگان و معتمدین آنها بربجریان انتخابات نظارت دارند و نه انجمن نظار تعیین شده یاراى مقاومت در برابر مداخلات وتضییقات‌سازمان‌امنیت‌وسایرمأموران دولتی دارد.

بدیهی‌است‌چنین‌حکومتی‌هرقدرهم‌مدعی اصلاحات اجتماعی کشورشود و واقعاً هم قصد داشته باشد قدمی در راه مردم برداردچون حاضر نیست سیاست و روش خودرا درمعرض افکار عمومی‌ملت قرار دهد و بپشتیبانی آراء مردم مستظهر گردد تا گزیر حکومتی تحمیلی و غیر دموکراتیك تلقی میگردد و در نقطه مقابل مردم قرار میگیرد. تجربه همه ملتهای جهان نشان داده است که هیچ اقدام اصلاحی و هیچ تحول اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بدون پشتیبانی مردم به نتیجه مطلوب نمیرسد و افکار عمومی را بزور سرنیزه و سازمان امنیت، بزور اعدام وزندان و تبعید و در نفس نمیتوان بسیج نمود. بنابراین مسلم است که پایه‌واقعی هر گونه‌تحول وپیشرفت اجتماعی در کشورما احترام‌واقعی‌به‌آزادیهای‌دموکراتیك‌و اجراء بی‌چندشه اصولی‌است که‌فوقاذکر شد، اصولی که‌بدون‌آن‌نه‌دموکراسی‌وجوددارد‌و‌نه تحول و پیشرفت امکان پذیر خواهد بود.

بنابراین مقدمات روشن‌است چرا حزب توده‌ایران‌ازهم‌اکنون‌انتخابات‌دوره۲۲مجلس شورا، دوره‌پنجم‌مجلس‌سنا‌و‌همچنین‌انتخاباتی‌را که‌بایدتحت‌عنوان‌مجلس‌مؤسسان‌جریان‌یابدغیر قانونی‌محسوب‌وعاری‌ازاعتبارمیشمارد‌و‌کسانی را که‌نمایندگی‌این‌مجالس‌تعیین‌میکردند‌و‌ولو اینکه‌ازلحاظ‌شخصی‌موجه‌باشند‌نمایندگان‌ملت ایران نمیشناسد.

ما پیشنهاد میکنیم که جریان انتخابات مجلس ۲۲، مجلس سنا و مؤسسان متوقف گردد وتاهمزمان دوره ۲۱ مجلس منقضی نشده است قانون احزاب واجتماعات مطبق‌اصل ۲۱ متمم قانون اساسی بتصویب مجلسین برسد، قانون انتخابات طبق اصول دموکراتیك و براساس حزبی ونسبت آراء ونظارت مشترك و مستقیم نمایندگان احزاب برتمام جریان انتخابات اصلاح گردد، قانونی مبنی برعفو عمومی وآزادی کلیه زندانیان‌سیاسی بتصویب برسد، آزادی وفعالیت کلیه احزاب، سازمانها و انجمن‌ها، اعم از هر عقیده سیاسی و مسلك اجتماعی که دارند و همچنین آزادی‌مطبوعات درحدود مقررات قانون اعلام گردد، رسیدگی بجرائم‌سیاسی ومطبوعاتی طبق قانون اساسی ایران به محاکم دادگستری احاله شود و مداخلات سازمان امنیت و محاکم استثنائی نظامی در این مورد ممنوع گردد. تبلیغات انتخابی طبق موازین و مقررات قانونی برای همه کس وبرای کلیه احزاب و سازمانها آزاد شود. فقط آنگاه که چنین محیط سالم دموکراتیکی بوجود آید میتوان از انتخابات بمعنای واقعی کلمه سخن گفت و کوشید تا نمایندگان واقعی‌مردم بپارلمان فرستاده‌شوند. مسلماً چنین‌پارلمانی‌میتواند ازحمایت وپشتیبانی مردم برخوردار باشد و امکان واقعی یافت تا در راه پیشرفت وتحول اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور ما گامهای مهمی بردارد.

جامعه ما تشنه تحولات بنیادی است و نخستین گام مهم دراین راه ایجاد چنین محیط دموکراتیك است.

آقایان نماینده‌گان! شما دربرابرمسئولیت خطیری قرار دارید وچون بهرچهت کرسیهای پارلمان‌را اشغال‌نموده‌اید‌تا‌گزیرچنین‌مسئولیت های سنگینی را نیز بعهده گرفته‌اید. ملت ایران شعارا شمارا نمیدهد نمیداند ولی بآن معنی نیست که شما نمیتوانید بااقدامات خویش در زمینه آزادیهای دموکراتیك گامهائی در جهت خواستهای واقعی مردم ایران بردارید.

شما طبق اصل یازدهم قانون اساسی سوگند یاد کرده‌اید که «بحقوق ملت ایران خیانت ننمائید» و هیچ منظوری نداشته باشید «جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران».

بنابراین موظفید که اصول مصرحه در قانون اساسی و متمم‌آنرا درباره حقوق وآزادیهای ملت ایران محترم شمارید و در برابر هر گونه تجاوزی که‌باین حقوق‌میشود ایستادگی نمائید.

ملت ایران ناظر اقدامات شما و قاضی عادلی در مورد اعمال و رفتار شماست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بانگ خویش را در دفاع از خلق قهرمان ویتنام رساتر کنیم

بهمان اندازه که دامنه تجاوز امپریالیسم امریکا در ویتنام گسترش مییابد مبارزه مردم جهان در دفاع ازخلق قهرمان ویتنام دربرابر این تجاوز نیز تشدید میگردد . مردم جهان بیش از پیش درك میکنند که در ویتنام نه فقط سرنوشت ملتی که جز استقلال وآزادی خود چیزی نمیخواهد مطرح است، بلکه صلح جهانی و حق حیات و برخورداری از آزادی عدالت برای همه خلقهای جهان نیز در معرض تهدید جدی قرار گرفته است .

اکنون علاوه بر سازمانهای مترقی و دموکراتیك در سراسر جهان ، بسیاری از سازمانهای پاسیفیستی و همچنین سازمانهائی که بطور خاص برای استقرار صلح در ویتنام تشکیل شده و سازمانها و احزاب لیبرال و دمکرات هر یك بشکلی فعالیت خودرا برای دفاع ازخلق ویتنام دربرابر تجاوز امپریالیستهای امریکائی مثمر کر کردهاند . ولی درك این واقعیت که جنبش دفاع ازویتنام باید گسترش داد و آنرا یك جنبش واقعاً تودهای تبدیل کرده لزوم اینکه بخشهای مختلف این جنبش باید کار خود را هماهنگ کنند ویك دیگر کمك و نیرو دهند ، این فکررا بیش ازپیش تقویت کرد که باید ازتمام افراد وسازمانهائی که مخالف جنگ تجاوزکارانه امریکا در ویتنام هستند مجمعی تشکیل شود واین مجمع بهبحث وتبادل نظر آزاد درباره یافتن راههای کمك هرچه مؤثرتر بمردم ویتنام و همچنین به اعمال فشاربه امپریالیستهای امریکائی ودستیاران آنها برای پایان دادن بهتجاوز بپردازد . این فکر سرانجام به ایتکار «جامعه صلح وداوری سوئد» که یك سازمان قدیمی پاسیفیستی است ، بصورت تشکیل کنفرانس استکهلم در باره ویتنام درفاصله ۶ تا ۹ ژوئیه ۱۹۶۷ عملی گردید .

کنفرانس جهانی

تاکنون کنفرانسها ومجامع گوناگون و متعددی در باره ویتنام تشکیل شده ولی هیچکدام جنبه جهانی نداشته است. کنفرانس استکهلم درباره ویتنام برای نخستین بار خصلت جهانی داشت واین واقعیت را میتوان ازترکیب شرکت کنندگان در کنفرانس دریافت .

در کنفرانس استکهلم بیش از ۴۳۰ نفر بطور مستقل و یا بنمایندگی ازجانب یك سازمان شرکت داشتند . ازاین عده ۳۷ نفر بعنوان ناظر شرکت کرده بودند. ۲۱ سازمان بین المللی ، ۲ سازمان قاره ای و بیش از ۲۲۰ سازمان کشوری از ۶۸ کشور به کنفرانس نماینده فرستاده بودند. در کنفرانس کمونیستها، سوسیالیستها ، لیبرالها، دمکراتها، مسلمانان و بودائیها بنمایندگی افکاراجتماعی، سیاسی و مذهبی گوناگون - نمایندگان پارلمان ، نویسندگان، هنرمندان ، دانشمندان، معلمان و روزنامه نگاران بعنوان نمایندگان مشاغل مختلف وکارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و روحانیان بمثابه مظهر طبقات وقشرهای گوناگون اجتماع شرکت داشتند. علاوه براین عده زیادی از شخصیتهای معروف از جمله کرشنا منون وزیر سابق دفاع هند و همکاررودوست نزدیك نهرو، مارتین نی مولر اسقف بزرگ پرتستان در آلمان غربی ، برفسور میدرال جامعهشناس سوئدی، پیر کوت نماینده مجلس فرانسه، ایزابل بلوم مبارزصلح بلژیکی و همچنین وزیر ارتباطات سوئد در کنفرانس حضور داشتند .

نکته جالب دیگر اینکه هیئت نمایندگی ایالات امریکا با ۳۰ نفر عضو بنمایندگی از جانب ۱۹ سازمان اجتماعی بزرگترین هیئت نمایندگی در کنفرانس بود واین خود مقاومت روز افزون مردم امریکا را برضد سیاست تجاوزکارانه دولت جانسون نشان میداد .

کنفرانس کار

کنفرانس استکهلم هدفش فقط ابراز همبستگی باخلق ویتنام نبود. کنفرانس بویژه و بطور عمده بحث و تبادل نظر درباره یافتن راهها و اشکال جدید مبارزه برضد سیاست تجاوزکارانه امریکا در ویتنام و کمك مشخص به خلق ویتنام پرداخت. بهمین جهت بلافاصله پس از گشایش کنفرانس نمایندگان به کمیسیونها و گروههای کار تقسیم شدند و بحث و تبادل نظر در باره جنبه های مختلف مسئله ویتنام پرداختند. بدینسان کنفرانس از نظر موضوع کار بهمشت کمیسیون ،

قوانین بین المللی و جنگ در ویتنام - چهرهجنگ - مبارزهبرای استقلال وپیشرفت - ایتکارات واقعی و ایتکارات خدعهآمیز در باره صلح - افراد روز افزون ایالات متحده در جهان - کمك مادی به ویتنام - هماهنگ کردن فعالیتها ، جنگ ویتنام و صلح جهانی،

و ازنظر مشاغل شرکت کنندگان به هفت گروه ، فعالین سندیکائی ، نمایندگان پارلمان ، دانشمندان ، پزشکان و معلمان ، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران ، زنان ، جوانان و دانشجویان وروحانیان تقسیم گردید .

هر یك از این کمیسیونها و گروههای کار در پایان کنفرانس پیشنهاد های مشخص خودرا به جلسه عمومی برای توصیه به همه افراد و سازمانهائی که برای استقرار صلح در ویتنام مبارزه میکنند ارائه داشت .

بدینسان بود که نتیجه کار کنفرانس بسیار ثمربخش شد . قبل از همه و مهمتر از همه کنفرانس تصمیم گرفت یك « کمیته ادامه کاری » برای برقراری ارتباط بین سازمان هائی که در کنفرانس شرکت کرده اند وهمچنین برای برقراری تماس باهمه افراد وسازمانهائی که به شکلی از اشکال وبدرجات مختلف برای خاتمه دادن به جنگ ویتنام علاقه و آمادگی نشان میدهند و بمنظور ایجاد یك جنبش واقعاً تودهای در دفاع از خلق ویتنام تشکیل دهد . این خود گام بزرگی بود که جنبش را وارد مرحله نوینی کرده است . پیشنهادهای مشخص بسیاری نیز ارائه گردید که علی کردن آنها میتواند به جنبش اولا خصلت تودهای بدهد و ثانیا برای خلق ویتنام کمك علی ، جدی و مؤثری باشد . از جمله جد آوری امضا از همه مردم جهان بر ضد جنگ تجاوزکارانهامریکا دروینام ، مبتکرها و تظاهرات در روزهای معین ، استفاده از فیلم و مطبوعات، مسافرت شخصیتهای برجسته به امریکا برای بحث بامردم امریکا ، ترتیب ملاقات بین نمایندگان سازمانهای اجتماعی امریکا باسازمانهای مشابهازجمله بانمایندگان مردم ویتنام ، ساختن یك بیمارستان درکامبوج برای مردم ویتنام ، اعزام یك کشتی حامل دارو به ویتنام ، جمع آوری کمك مالی و غیره .

توافق کامل بر سر راه حل مسئله ویتنام

واقعیت اینستکه تا قبل از کنفرانس استکهلم بین افراد و سازمانهائی که البته با عقاید و انگیزه های گوناگون برای پایان دادن به جنگ ویتنام مبارزه میکنند ، توافق کامل وجود نداشت . این عدم توافق بویژه برسر چگونگی حل مسئله ویتنام و شرایط مذاکره برای استقرار صلح بروز میکرد. تجربه مبارزات چند ساله ، گسترش بحث و تبادل نظر بین افراد و سازمانها که شکل کامل آن در کنفرانس استکهلم صورت گرفت ، سرانجام منجر بتوافق کامل برسر اساسی ترین موفقیتهای کنفرانس بود. کنفرانس به این نتیجه رسید که تنها راه حل واقعی و عادلانه برای حل مسئله ویتنام مذاکره براساس قرارداد ژنو است. وعنوان شرط اولیه برای هر گونه مذاکرهای نیز بمباران ویتنام شمالی قطع گردد وجبهه آزادیبخش ویتنام جنوبی بعنوان یکی از عناصر اصلی شرکت کننده در مذاکره از طرف امریکا و دولت ویتنام جنوبی برسمیت شناخته شود .

همبستگی مردم ایران با خلق ویتنام

همبستگی مردم ایران با خلق قهرمان ویتنام از ماهیت مبارزهای که این هردو ملت برای آزادی واستقلال خود میکنند سرچشمه میگیرد متأسفانه رژیم دیکتاتوری بهمان اندازه و همان شکل که از مبارزه آزادیبخش مردم ایران جلوگیری میکنند مانع ابرازهمبستگی مردم ایران باخلق ویتنام نیزهست. ولی مردم ایران نیز بهمان اندازه و همان شکل که در این شرایط دشوار برای آزادی و استقلال خود پیکارمیکنند ازهر گونه امکان وفرصتی نیز برای ابراز همبستگی خود با خلق ویتنام استفاده میکنند . بویژه حزب ما در پیشاپیش مردم ایران ازتمام وسائل تبلیغاتی وتشکیلاتی خود برای آگاه ساختن افکار عمومی مردم ایران ازماهیت سیاست تجاوزکارانهامپریالیسم امریکا در ویتنام و پیکار قهرمانانه و عادلانه خلق ویتنام وتشویق وتجهیز آنها برای شرکت فعال در جنبش دفاع از خلق ویتنام استفاده میکند . حزب ما با توجه به امکانات محدود خود حتی از کمك مادی (پول و دارو) نیز دریغ نکرده است . برهمین اساس از فرصت تشکیل کنفرانس استکهلم نیز استفاده شد و نماینده جوانان توده ایران در این کنفرانس شرکت کرد تا بیان کننده همبستگی مردم ایران با خلق ویتنام باشد . نماینده جوانان توده ایران در چندین کمیسیون و بویژه در کمیسیون «ایتکارات واقعی وایتکارات خدعه آمیز در باره صلح » شرکت کرد . وی در این کمیسیون ضمن سخنرانی خود لزوم ایجاد یك جنبش واقعاً تودهای در سراسر جهان و قبل از همه در کشور هائی که دولتهای آن مستقیم و غیر مستقیم از جنگ تجاوزکارانه ویتنام پشتیبانی میکنند اشاره کرد و پیشنهاد های شخصی دراین زمینه داد. نماینده جوانان توده ایران در گروه کار «جوانان ودانشجویان» نیز شرکت فعال داشت. در این گروه که نماینده کان بیش از ۲۵ سازمان بین المللی ملی جوانان و دانشجویان شرکت داشتند نماینده جوانان توده ایران بعضویت کمیسیون تنظیم قطعنامه انتخاب شد .

تردیدی نیست که هم وضع ما دشوار است و هم امکانات ما کم . ولی باین همه میتوان و باید با مبارزه بردشواریها غلبه کرد وازامکانات موجود حداکثر استفاده رانمود و دائماً در جستجوی امکانات تازه بود تامردم ایران نیز بتوانند بیش از پیش همبستگی خود را با خلق ویتنام نشان بدهند و در جنبشی که در دفاع از خلق ویتنام بوجود آمده و روز بروز بر عمق و دامنه آن افزوده میشود سهم شایسته خود را ادا کنند . موقع آنست که بانگ خویش را دفاع ازخلق قهرمان ویتنام رساتر کنیم .

هموطنان عزیز ! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

قابل توجه علاقمندان

به نشریات توده

علاقمندان به نشریات تودهای از این پس میتوانند کمك مادی خود را به نشانی زیر ارسال دارند ،

شماره حساب بانکی

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
1265–5